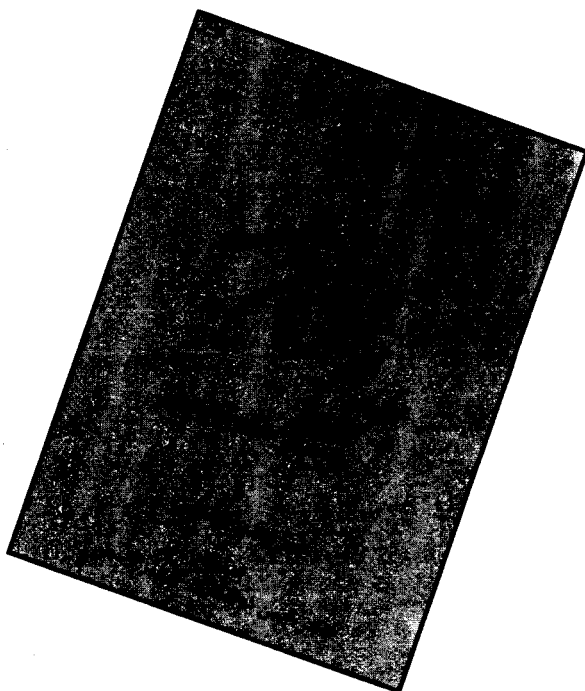


دو منظومه غنایی

نگاهی انتقادی به دو مثنوی

«حسن و دل» و «بدیع الزمان نامه»

یوسف اسماعیل زاده



الف) مثنوی «حسن و دل»

معرفی شاعر

مولانا محمدین یحیی نیشابوری از شاعران قرن نهم هجری است. تخلصش «فتاحی»، «اسراری» و «خماری» بوده است. او دانشمندی معتبر در علوم و در کتابخانه سلطنتی به کتابت مشغول بود. از او آثار زیر بازمانده است: حسن و دل، شبستان نکات و گلستان لغات به نظم نثر که مناظره گل با دف است، عروض یا تجنیسات، دیوان شعر، روضه بستان (اسرار العشاق)، دیوان اسراری و خماری که به شیوه نظیره گوئی و درباره حشیش و مخدرات است و سرانجام تعبیرنامه منظوم.

معرفی حسن و دل

حسن و دل مثنوی است رمزی و عاشقانه در بحر هزج مسدس در ۵۰۰۰ بیت که شاعر آن را در سال ۸۴۰ هجری سروده است. شاعر در آغاز داستان می گوید: داستانی عاشقانه می خواهد بسراید و از ندیم خویش داستان را می گیرد که تاکنون کسی آن را نشنیده است. داستان، شرح دلدادگی «شاهزاده دل» فرزند «عقل» پادشاه یونان به «شاهزاده حسن» فرزند «عشق» است که سرانجام با گذراندن حوادث مختلف و گرفتاری های گوناگون به وصال «حسن و دل» می انجامد. شخصیت های داستان، اعضای آدمی و برخی خصوصیات و صفات مربوط به وی و صحنه ماجراها تن و جان اوست. مضمون داستان، عشق و زیرویم آن است. عشق در اینجا در سطح عقاید عرفانی مطرح می شود.^۱ در این داستان شخصیت بخشی به مفاهیم انتزاعی، بسیار دیده می شود.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور منجیل.

۱. تقی پورنامداریان؛ رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی؛ ص ۱۷۲.

حسن و دل، محمدین سبک نیشابوری، تصحیح سید حسن ذوالفقاری، چاپ اول، تهران: چشمه، ۱۳۸۷.

مقدمه

منظومه های عاشقانه ادب فارسی، یکی از زیباترین و گیراترین متون زبان فارسی اند که از قدیم تا زمان حاضر، همواره مخاطبان و علاقه مندان بسیاری داشته اند. تنوع و گونه گونی داستان ها، نشان دهنده توجه شاعران به سلیقه مخاطبان است. در هر دوره ای داستان های تازه ای باب می شد و شاعران دست به نوآوری می زدند؛ با این حال، ادب غنایی عاشقانه آنگونه که درخور میراث غنایی زبان فارسی بوده، مورد عنایت محققان قرار نگرفته است؛ اما اخیراً کوشش های سودمندی در زمینه احیای نسخ خطی مثنوی های عاشقانه و نقد و تحلیل آنها صورت گرفته است.

نشر چشمه سلسله کتبی را با عنوان منظومه های عاشقانه فارسی به زیور طبع آراسته است که تاکنون چندین کتاب به تصحیح آقایان حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو تصحیح و منتشر شده است. نگارنده به سبب علاقه بدین متون، این کتاب ها را در مطالعه گرفته است و برخی نکات را از باب یادآوری ارائه می کند. آنچه در این مجال بدان می پردازیم، یادداشت هایی درباره دو مثنوی حسن و دل تألیف سبک نیشابوری و بدیع الزمان نامه از مؤلفی ناشناخته است.

دکتر پورنامداریان در رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی مغرب را نماد عالم ملک و این جهان می داند که در تسخیر عقل است و مشرق را رمز عالم ملکوت و جهان روحانی که از نظر عرفا با عشق می توان بدان دست یافت و پادشاه آن، عشق است. آب حیات، حقیقت عرفانی است که عقل عاجز از ادراک اوست و دل خواهان آن است و کوه قاف، عالی ترین نقطه عالم ملکوت است.^۲

شخصیت های داستان

این داستان شخصیت های مختلفی دارد و اکثر آنها از اعضای بدن و مفاهیم انتزاعی انتخاب شده اند. شخصیت های داستانی حسن و دل عبارتند از: عقل، دل، نظر، ناموس، عشق، حسن، ساق، زلف، غمزه جادو، صدر خازن، توبه، صبر، ناز، لعل، ساقی، رقیب، قامت، تبسم، وفاغیر، زرق، همت، خضر، جوقی زنگی بچه بلا، مهر، خال، هلال حاجب، خیال، وهم.

مکان های داستان

قلعه بدن، گنبد دماغ، آب حیات، شهر عافیت، باغ جنان، شهر هدایت، شهر دیدار، گلشن رخسار، چشمه فم، شهر سگسار، منزل مارپایان، چهار محله شهر دیار، صومعه عقل، صومعه زهد و ریا، چاه ذفن، باغ دلگشای، چشمه آشنایی، قصر وصال، زندان عتاب، بیابان فراق، قلعه هجران، سبزه زار خط.

معرفی نسخه ها

مصححان در تصحیح خویش از سه نسخه خطی و یک نسخه چاپی بهره برده اند؛ البته نسخه اساسی شماره ۷۱ فیروز کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که در تاریخ ۸۸۵ نوشته شده است و در بردارنده ۴۸۰۰ بیت است. نسخه های خطی ۵۱۵۲ دانشگاه تهران (۵۶۰۰ بیت) و دارالکتب قاهره به شماره ۱۶۳ (کتابت در ۸۷۹ ق و در ۳۶۰۰ بیت) به عنوان نسخه بدل، مورد استفاده قرار گرفته اند. حسن و دل یک بار نیز توسط ر. س. گرین شیلدز در سال ۱۹۲۶ م در برلین منتشر شده است که این چاپ نیز مدنظر مصححان بوده است. نسخ خطی دیگری از حسن و دل در کتابخانه های موزه بریتانیا، بادلیان، طویقاپو سرای و لاهور موجود است.

در صفحه پنجاه در معرفی نسخه ها دستور عشاق چاپی گرین شیلدز به اشتباه صفحه آغاز نسخه شماره ۵۱۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گفته شده است؛ همچنین در صفحه ۵۳ متن چاپی، نسخه قاهره شمرده شده است.

توضیح

باتوجه به رمزی بودن داستان، شاعر به روال سنت مثنوی گویان در آغاز و گاه در خلال ابیات، از آیات، روایات و سخنان مشایخ بهره جسته است؛ البته تقریباً همه آن موارد در کتب پیشینیان دیده می شود و در حسن و دل، تأثیرپذیری شاعر از نظامی و عطار دیده می شود.

شاعر برخی از عبارات نظامی را در خسرو و شیرین عیناً به کار برده است و در توصیف بروج به لیلی و مجنون نظامی نظر داشته است. بیشترین استناد شاعر به روایات و آیات قرآنی، در مقدمه کتاب وجود دارد. بهتر بود مصححان کتاب، فهرستی از آیات و روایات مندرج در کتاب را تهیه می کردند؛ همچنین در این مثنوی به سنت های ادبی، اعتقادات عامه، ضرب المثل ها و تلمیحات فراوانی اشاره شده است که مصححان کتاب بدان توجه نکرده اند (ر. ک به ابیات: ۶۹، ۷۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۹۳، ۹۹، ۱۱۵، ۱۱۷، ۲۳۳ و ۴۷۶).

تضمین هایی از شعرای دیگر نیز در متن دیده می شود (ر. ک به ابیات: ۲۴۷۹ و ۲۵۷۵).

برخی ترکیبات و لغات و تعبیراتی که در متن موجود است، در فهرست لغات آخر کتاب دیده نمی شود؛ برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد: بازماندن از چیزی (بیت ۲۶۸)، برگ بید (بیت ۳۳۰)، شمع کافوری (بیت ۵۱۰)، دل از جای برخاستن (بیت ۵۵۹)، از ره افتادن (بیت ۷۰۷)، بر خویش خندیدن (بیت ۸۴۶)، پا به سنگ آمده (بیت ۱۴۳۹) و در روی خندیدن (بیت ۲۷۲۳).

نکته ها

۱. صفحه ۲۳، بیت دوم:

بیا تجدید کن صوفی که بی دینی سبزه برگی نیست
کنار آب رکناباد و گلگشت مصلاً را

وزن مصرع اول اشکال دارد. استاد دکتر شفیعی کدکنی بیت را بدین صورت ضبط کرده اند:

بیا تجدید کن صوفی که بی این سبزه برگی نیست
کنار آب رکناباد و گل گلگشت مصلاً را^۳

۲. صفحه ۵۸، بیت ۱۶:

دلی کاو را به حسنی آرزویی است

گه از حسنی دلی را جست و جویی است

در نسخه بدل ج «دلی را گر» آمده است. به نظر می رسد مصححان «گه» را «گر» خوانده اند. با توجه به مصرع دوم، تصحیح بیت بدین صورت پذیرفتنی می نماید:

دلی را گه به حسنی آرزویی است

گه از حسنی دلی را جست و جویی است

۳. صفحه ۷۱، بیت ۲۵۶:

چو نوروز از برای نارنامه

بسی بی برگ را پوشید جامه

سخن درباره تولد شاهزاده دل است و کارهایی که عقل پدر

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. محمدرضا شفیعی کدکنی؛ قلندریه در تاریخ؛ ص ۴۳۶.

دل در شادی ولادت فرزند می کند. تعبیر «نارنامه» در بیت بالا چندان مناسب نیست. احتمالاً «بارنامه» و به احتمال ضعیف تر «نازنامه» صحیح است.

۴. صفحه ۷۶، بیت ۳۴۹:

طلسمی گنج در وی بی کرانه

بهشتی چار جو در وی روانه

در متون قدیم کسره اضافه را با «ی» نشان می دادند؛ اما بهتر بود مصحح محترم به شیوه امروزی عمل می کرد و شعر را از سکنه وزنی خارج می نمود.

۵. صفحه ۷۸، بیت ۳۷۹:

نصیب عدل آن آن هر دو نکوکار

رعیت در بدن شد جمع بسیار

نسخه بدل «به صیت عدل از» دارد. مصراع اول یک «آن» اضافه دارد. به نظر می رسد «صیت» مناسب تر از نصیب باشد؛ چرا که رعیت آوازه و شهرت عدالت گستری پادشاهی را می شنود و سپس در کشور او اقامت می کند؛ به علاوه با ضبط مصححان در آغاز مصراع اول، به «از» نیاز است.

۶. صفحه ۸۳، بیت ۴۷۸:

به خون کشتن ز تیغ پادشاهی

ز تاج لعل بهتر در گدایی

در مصراع اول «گشتن» صحیح است.

۷. صفحه ۹۷، بیت ۷۳۴:

چو زر گاهی بود از غم خلاصم

که باشد از دم گرمت مناصم

در مصراع اول، به جای «گاهی»، «گاهی» درست است.

۸. صفحه ۹۸، بیت ۷۵۵:

قافیه بیت غلط است. شاید قافیه مصراع اول «کُشت» باشد.

بیت مفهوم واضحی ندارد.

۹. صفحه ۱۱۹، بیت ۱۱۰۸:

مرا تاب آمد و آتش شمارا

پسندی می بیاید سوخت مارا

در نسخه بدل، «پسندی» آمده است که مناسب تر است.

۱۰. صفحه ۱۱۹، بیت ۱۱۱۵:

تو هم بگذر ملک در ملک می باش

چو جوهر رشته در سلک می باش

در مصراع دوم «رشته ای» صحیح است تا وزن خراب نشود.

۱۱. صفحه ۱۲۷، بیت ۱۲۵۹:

چه خوش باشد که بعد از دوری دار

دو دیده روشنی یابد ز دیدار

شاید در مصراع اول «یار» باشد.

۱۲. صفحه ۱۴۳، بیت ۱۵۴۷:

تو را قد صنوبر تاروان رست

روان آب حیوان تشنه توست

قافیه مصراع دوم به صورت «تست» صحیح است.

۱۳. صفحه ۱۸۸، بیت ۲۳۷۶:

نخواهی اوفتاد از روی من تو

که داری جای بر وجه حُسن تو

حرکت ضمه «حسن» مصراع دوم را از وزن خارج کرده

است.

۱۴. صفحه ۱۹۴، بیت ۲۴۷۷:

مرا جان بر لب از پیری به صد درد

دواعمی چون تو عمری بود در خورد

ضبط صحیح «دوایی» است. پیری و درد نیز این حدس را

تقویت می کند.

۱۵. صفحه ۱۹۶، بیت ۲۵۲۵:

مه نو اندک اندک نور گیرد

چو تفسید فزون نو شد بمیرد

مصراع دوم خارج از وزن است. نسخه بدل «تفسیده فزون تر»

است که مناسب تر می نماید.

۱۶. صفحه ۲۰۱، بیت ۲۶۱۷:

به دل بردن بر آوردی ز چاهش

بر آور هم به دلداری ز چاهش

در مصراع اول، «چاهش» درست است؛ یعنی حسن را از

مقام شاهزادگی و جاه و شوکت خویش دور کردی.

۱۷. صفحه ۲۱۴، بیت ۲۸۵۵:

چو شمعم تا یکی بی آب داری

چو آیم از چه رویی تاب داری

در مصراع اول، ضبط صحیح «به کی» است.

موارد نگارشی و تایی

۱. صفحه ۲۲، ذیل شماره ۶، سطر سوم.

موارد صحیح: اسراری، البسه، مکفیات و حشیش است که

به اشتباه: اساری، البسته، مکفیات و جیش آمده است.

۲. در صفحه ۲۳، بیت ۵: دختر رز درست است نه دختر زر.

صفحه ۲۳، بیت آخر: «که» در مصراع اول نادرست و «گه»

صحیح است.

۳. صفحه ۲۵، پاراگراف اول، سطر ۴: در شاهزاده دل،

صحیح شاهزاده دل است.

۴. صفحه ۴۶، شماره ۳، سطر ۲.

«... و حسن و دل از برگ ۸۹ تا ۱۹۵ این کلیات را در می‌گیرد» که «دربر» درست است.
 ۵. صفحه ۷۸، بیت ۳۷۸ گ
 کسی پیوند ایشان گر بریدی
 به خون کار همه با او رسیدی
 صحیح «ایشان» است.

۶. صفحه ۸۷، بیت ۵۵۹: «دلنشان» به صورت متصل درست است.
 ۷. صفحه ۱۰۸، بیت ۹۳۱:
 سرخلقی به دام آورده بود او
 که بر هر شب روی سر کرده بود او
 «شبرو» صحیح است.
 ۸. صفحه ۱۷۹، بیت ۲۲۰۶: «بنامیزد» صحیح است.

ب) بدیع الزمان نامه

داستان بدیع الزمان نامه یا «بدیع الزمان و قمرچهر» مثنوی ای است عاشقانه، همراه با صحنه‌های رزمی در شرح دلدادگی «بدیع الزمان» شاهزده ایرانی به «قمرچهر» دختر خاقان چین. قصه از این قرار است که پادشاهی به نام مسعود، فرزندی دارد با کمال و جمال به نام بدیع الزمان. این شاهزاده روزی در شکارگاه در کنار چشمه‌ای در دست پیرمردی، تصویر قمرچهر، دختر خاقان چین را می‌بیند و از هوش می‌رود. بدیع الزمان از عشق قمرچهر بی‌تاب شده، راه چین را در پیش می‌گیرد. در این مسیر اتفاقات و جنگ‌های متعددی روی می‌دهد که در همه آنها بدیع الزمان پیروز می‌شود. او سرانجام به وصال دختر خاقان می‌رسد. سراینده کتاب معلوم نیست. مثنوی در ۳۲۹۱ بیت در بحر متقارب به تاریخ ۱۰۰۷ ق سروده شده است. از این مثنوی تنها یک نسخه شناخته شده است که در کتابخانه ملک به شماره ۵۱۳۵ نگهداری می‌شود و همین نسخه، مبنای کار مصححان بوده است.

شاعر در پایان کتاب، تصریح می‌کند: جلد دوم بدیع الزمان نامه را خواهد سرود. معلوم نیست که آیا شاعر توانسته است جلد دوم را بسراید یا خیر:

اگر زندگی باشد ای دوستان
 و راز مرگ بینم ازین پس امان
 سراییم از گفته باستان
 به جلد دویم باقی داستان

بدیع الزمان نامه، منظومه‌ای است از ادبیات عامیانه. در این مثنوی، لغات و تعبیرات عامیانه بسیاری وجود دارد؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دل نه صد دل [عاشق شدن] (بیت ۱۱۶)، خنده کردن (بیت ۱۰۴)، کله بر کله زدن (بیت ۲۵۱)، سر نموده (بیت ۳۳۳)، و ابیات ۸۳۰، ۱۲۴۰ و ۲۵۳۹.

نکته‌ها

۱. صفحه ۴۶، بیت ۱۷:
 نبی بود او همان بوالبشر
 نیفتاد بر ماء طینش گذر
 وزن مصراع اول، مختل است.
 ۲. صفحه ۴۷، بیت ۵۰:
 نگارنده نقش تصویر حال
 چنین است صورت ز کلک خیال
 در مصرع دوم، ضبط صحیح «بست» است.
 ۳. صفحه ۵۲، بیت ۱۶۳:
 بدیدم چهل تن پس از چاوشان
 همه طرقو گو همه کف نشان
 مورد صحیح «طرقوا» است.
 ۴. صفحه ۵۲، بیت ۱۷۰:
 ز نظاره آن مجال و جبین
 از نام آن شهر را کرد چین
 در مصرع اول، «جمال» درست است.
 ۵. صفحه ۵۳، بیت ۱۸۷:
 چه و صف جمالش چه خامه نیست
 که گنجایش اش اندرین نامه نیست
 مصرع اول، اشکال وزنی دارد.
 ۶. صفحه ۵۳، بیت ۱۹۱:
 چو بر چهره اش دیده انداختم
 دگر خوش را هیچ نشناختم
 در مصرع دوم، «خویش» صحیح است.
 ۷. صفحه ۵۴، بیت ۲۰۲:
 صبا و شمال و نسیم سحر
 به فروشش بسته از جان کمر
 مصرع دوم، سخته‌ای در وزن دارد.
 ۸. صفحه ۶۴، بیت ۴۴۷:
 بگفت این نیزه بدو کرد راست
 که آواز تحسین ز ناورد خواست

۱۷. صفحه ۱۲۶، بیت ۱۸۸۰:

ولیکن ز نیروی اقبال و بخت
گرفت اشکبوس به پیکار سخت
وزن مصرع دوم، دارای اشکال است.

۱۸. صفحه ۱۴۹، بیت ۲۴۳۳:

نه از جان کشیدی ز من نازدار
نه اظهار کردی به من راز را
در مصرع اول، «ناز را» صحیح است.

۱۹. صفحه ۱۵۴، بیت ۲۵۴۷:

تمامی دلیران آن شهریار
چو گردان چین و چه ماچین دیار

باتوجه به مفهوم و معنا، در آغاز مصرع دوم، «چه» صحیح است.

در برخی موارد ایرادهای تایی نیز به کتاب راه یافته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: بیت ۲۳۹: خویش (خویش)؛ بیت ۶۴۳: حامی (جامی)؛ بیت ۱۶۶۰: سور (سوز)؛ بیت ۱۷۵۹: کردید (گردید)؛ بیت ۲۰۰۶: لمجه (لمحه)؛ بیت ۲۵۵۶: از یاری (اریاری).

برخی تعابیر و اصطلاحات در فهرست واژگان و تعبیّرات آخر کتاب دیده نمی‌شود؛ از جمله: گرد برآوردن (بیت ۸) و دست از کار شدن (بیت ۱۱۶). شاعر از آیات و روایات نیز در مثنوی خویش استفاده کرده است و حوادث قبل از اسلام را با بعد اسلام درهم آمیخته و قهرمان داستان را مبلغ اسلام شمرده است که بعد از شکست دادن رقیبان خود، دین اسلام را بر آنها عرضه می‌کند.

منابع

۱. بدیع الزمان نامه؛ تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۶.
۲. فتاحی نیشابوری؛ حسن و دل؛ تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو؛ تهران: چشمه، ۱۳۸۶.
۳. پورنامداریان، تقی؛ رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی؛ ج ۵، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ قلندریه در تاریخ: دگردیسی‌های یک ایدئولوژی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۶.

بیت را باید بدین صورت نوشت:

بگفت این [و] نیزه بدو کرد راست

که آواز تحسین ز ناورد خاست

۹. صفحه ۶۶، بیت ۴۹۱:

شبانگاه ساز یورش ساختند

یورش جانب قلعه انداختند

وزن بیت مختل است.

۱۰. صفحه ۶۸، بیت ۵۲۵:

چو شهزاده دیدش بس شاد شد

دلش از غم دهر آزاد شد

در مصرع اول، «بسی» درست است.

۱۱. صفحه ۶۸، بیت ۵۳۴:

چو دیدی تو پرخاش شیران نر

سوی واپس ای رویه حيله ور

در مصرع دوم فعلی دیده نمی‌شود. احتمالاً مصرع دوم

بدین صورت بوده است: دوی واپس ای رویه حيله ور.

۱۲. صفحه ۷۴، بیت ۶۸۶:

چه طبل و نفیر و چه از کر نای

چه نقاره‌ها و کوس و چنگ درای

در مصرع دوم، «و» بعد از نقاره‌ها زاید است.

۱۳. صفحه ۷۵، بیت ۷۰۲:

چو آمد به نزد شهنشاه و گفت

که ای گشته رایت به اقبال خوش

قافیه در مصرع دوم غلط است. مصرع دوم بدین صورت

درست است: که ای گشته رایت به اقبال جفت.

۱۴. صفحه ۷۶، بیت ۷۲۱:

پرستیدن شیرشان بود دین

سراسر هم ملک ماچین و چین

در مصرع دوم، «همه» صحیح است.

۱۵. صفحه ۹۳، بیت ۱۱۲۳:

پس آن که به همراه غفغور و سام

روان شد به مقصد شه نیکنام

«پس آن که» درست است.

۱۶. صفحه ۱۰۶، بیت ۱۴۲۱:

ازین غم دلش گشت زار و نژند

بفرمود تا کوس حربی نمودند

قافیه مصرع دوم «زدند» صحیح است.